



خلاصه کتاب بابای پولدار ، بابای بی پول (۳)

بخش ششم : ثروتمندان پول می آفرینند

همه از توانمندی ها و هوش خوبی برخوردار هستیم ولی آنچه دست ما را می بندد، خود ناپاوری است. اقدام نکردن های ما ناشی از ناآگاهی مالی نیست بیشتر از نداشتن اعتماد به نفس است. این کاستی در برخی از مردم آشکارتر است. پس از ترک مدرسه ، اغلب می دانیم که چگونگی نمره های درسی دوران مدرسه چندان با اهمیت نیستند در زندگی واقعی ، به چیز دیگری نیاز داریم.

شنیده ام که با عنوان های گوناگون (زهره ، دل ، دلیری و مانند اینها) از آن یاد می کنند. این عامل، هر عنوانی داشته باشد بر ساختن آینده فرد بیش از هر نتیجه و سابقه درسی تاثیر می گذارد.

تجربه شخصی خودم نشان داده است که هر دو عامل دانش مالی و دلیری در کار ضروری است. چنانچه ترس غالب گردد ، نبوغ سر خورده می شود. در کلاسهایم به دانشجویان سخت توصیه می کنم که خطرپذیری را بیاموزند، دلیر باشند و اجازه دهند تا نبوغ آنان ترس را به قدرت و هوشمندی بدل کند این اندرز برای گروهی کارساز است و دیگران را تنها به هیجان وا می دارد.

بسیاری از مردم تنها یک راه می دانند: سخت کار کردن ، پس انداز و وام گرفتن. چرا



باید هوشمندی مالی را افزایش دهید؟ زیرا می خواهید کسی شوید که سرنوشت خود را می آفریند. با هر چه رخ دهد رو به رو می شوید و آن را بهتر می کنید. گروه کوچکی می دانند که شانس آفریدنی است، همان گونه که پول آفریدنی است. چنانچه بخواهید خوشبخت شده و پول بیافرینید (به جای این که صرفاً به سخت کوشی بپردازید) به هوش مالی نیاز دارید.

تنها دارایی نیرومندی که داریم مغزمان است. اگر آن را به درستی پرورش دهیم می تواند دنیایی از ثروت بیافریند. از سوی دیگر مغزی که پرورش نیابد، می تواند آنچنان تنگدستی فراهم آورد تا چند سال در خانواده ادامه یابد.

اغلب از من می پرسند که چگونه یک دلار را یک میلیون دلار کرده ام. کمتر میل دارم که از خودم بگویم. تنها زمانی که بخواهم از سادگی فرآیند یاد کنم. نمونه هایی را می آورم. اگر شما با بنیان کار، به ویژه چهار ستون اصلی هوشمندی مالی که پیشتر آوردیم، خوب آشنا شوید، پیشرفت تان آسان و آسان تر خواهد شد. به پنج دلیل در اندرزهایم از مثال و نمونه استفاده می کنم:

۱- برای تشویق انسان ها به یادگیری

۲- نشان دادن سادگی فرآیند، آنگاه که بنیان استوار شده باشد.

۳- نشان دادن این که برای رسیدن به هر هدفی، میلیون ها راه وجود دارد.



۴- نشان دادن این که همگان می توانند به ثروت برسند.

۵- نشان دهیم که با دانش ساخت موشک درگیر نیستیم و کاری ساده است.

من به پول همانند بازی تنیس خود می نگرم. سخت بازی می کنم. اشتباه

رخ می دهد، اصلاح می کنم، اشتباه های تازه ای رخ می دهد، دوباره اصلاح

می کنم و بهتر می شوم اگر مسابقه را باختم ، به کنار تور می روم، دست حریف را

می فشارم و با لبخند می گویم: به امید دیدار در یکشنبه دیگر.

سه مهارت بنیادین نیاز دارید . این مهارت ها را افزون بر آنچه در زمینه رسیدن به

هوشمندی مالی آوردیم باید فراگرفت:

۱- چگونه فرصت هایی را شناسایی کنم که دیگران ندیده اند ؟ شما می توانید چیزی را

با مغز خود ببینید که دیگران با چشم نمی بینند.

۲- چگونه پول تامین کنیم؟ بسیاری از مردم تنها راه بانک را می شناسند. گروهی از

سرمایه گذاران که مورد نظر ما هستند، باید راه های ویژه ای برای تامین سرمایه

بیابند.

۳- چگونه افراد هوشمند را سازمان دهیم؟ هوشمندان کسانی هستند که با افراد

هوشمندتر از خود کار می کنند یا آنان را به استخدام در می آورند. هنگامی

که نیاز به رایزنی دارید. هوشمندانه به گزینش مشاور بپردازید. البته همکاری

